

تشدید توحش در خاورمیانه و سقوط هر چه پیش‌تر سرمایه‌داری در بربریت



صدای انترناسیونالیستی

بسیاری از مردم از سقوط دیکتاتور اسد احساس خوشحالی می کنند، این احساس کاملاً طبیعی و قابل درک است. بحران اقتصادی با بی ثباتی اجتماعی و سیاسی، با کشتار و قتل عام صدها هزار نفر و آوارگی میلیونی، یک توحش توصیف ناپذیر را در سوریه بوجود آورده بود. با این حال، این شادی و جشن‌ها کوتاه مدت خواهد بود، چرا که آینده واقعیت‌های تلخ تری را نشان خواهد کرد.

جهادی‌هایی که در سوریه کنترل سوریه را به دست گرفته‌اند، عمدتاً تحت نفوذ گروه هیئت تحریر شام قرار دارند. این گروه که از شاخه‌های القاعده و داعش منشعب شده است، توسط بسیاری از کشورها و سازمان ملل به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته می‌شود. ایالات متحده برای بازداشت رهبر این گروه، ابومحمد جولانی، جایزه‌ای ۱۰ میلیون دلاری تعیین کرده که این اقدام به دلیل اتهامات جدی او در زمینه نقض حقوق بشر صورت گرفته است.

ترکیه نقش قابل توجهی در همکاری با هیئت تحریر شام، از جمله در حذف مخالفان این گروه و تسهیل همکاری‌های اقتصادی، ایفا کرده است. نیروهای هیئت تحریر شام، با تجهیزاتی پیشرفته مانند پهپادها و امکانات اطلاعاتی، نشان می‌دهند که از حمایت‌های خارجی، به ویژه از سوی سازمان‌های اطلاعاتی ترکیه و احتمالاً دیگر بازیگران منطقه‌ای، برخوردار بوده‌اند.

همچنین گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه نیروهای اطلاعاتی و نظامی اوکراینی از مدت‌ها پیش در راه‌اندازی کارگاه‌هایی برای ساخت پهپاد مشارکت داشته‌اند. این اقدامات که توان عملیاتی هوایی جهادی‌ها را تقویت کرده، از سوی برخی به عنوان تلاشی برای

تلافی اقدامات روسیه و ایران در منطقه تعبیر می‌شود. این مسئله، نشان‌دهنده پیچیدگی شرایط و تضاد منافع در بحران سوریه است.

لازم به ذکر است که ترکیب نیروهای جهادی محدود به سوری‌ها نیست و اعضای از اقوام مختلف از جمله اویغورها، ترک‌های قفقاز، ازبک‌ها و حتی بقایای داعش در صفوف آن‌ها دیده می‌شود. هیئت تحریر شام، به‌عنوان نیروی غالب جهادی، اهدافی فراتر از تسلط نظامی دارد و تلاش می‌کند خود را به‌عنوان یک دولت مدرن اسلامی معرفی کند که توسط جامعه جهانی به رسمیت شناخته شود. برای این منظور، این گروه سعی در ایجاد تصویری مثبت از خود دارد. به‌عنوان مثال، در بدو ورود به شهرها اقدام به توزیع رایگان نان و آرد می‌کنند که به‌ظاهر نشان‌دهنده منابع مالی قابل توجه و حمایت‌های گسترده خارجی است. به نظر می‌رسد قدرت‌های غربی نیز می‌خواهند جهادی‌ها را غسل تعمید دهند و در راستای تطهیر و مشروعیت‌بخشی به این گروه گام بر می‌دارند.

در این میان، گزارش‌هایی مبنی بر احتمال خروج هیئت تحریر شام از فهرست سازمان‌های تروریستی توسط برخی کشورهای غربی مطرح شده است. دولت بریتانیا به نقش این گروه در سرنگونی بشار اسد توجه داشته و احتمال می‌دهد تحریر شام را از این فهرست خارج کند.^۱ ایالات متحده نیز نه تنها به جایزه ۱۰ میلیون دلاری برای دستگیری رهبر آن اهمیتی نمیدهد، بلکه حمایت از روند انتقال قدرت در سوریه تحت نظارت سازمان ملل را مدنظر دارد.^۲

^۱ تایمز

^۲ رادیو فردا

در سال‌های اخیر به نظر می‌رسید که جنگ و خشونت در سوریه به تدریج فروکش کرده و رژیم بشار اسد به یک ثبات نسبی دست یافته بود. نشانه‌هایی از پذیرش مجدد اسد توسط کشورهای عربی و بازگشت او به اتحادیه عرب نیز مشاهده می‌شد. اما همزمان با توقف درگیری‌ها بین اسرائیل و حزب‌الله و اعلام آتش‌بس، اتفاقی مهم رخ داد: شهر حلب به تصرف نیروهای مخالف درآمد. در این عملیات، نیروهای وفادار به اسد مقاومت محدودی نشان دادند. این نیروها از حمایت زمینی ایران و پشتیبانی هوایی روسیه برخوردار بودند، اما این کمک‌ها مانع سقوط حلب نشد.

پس از این اتفاق، به نظر می‌رسد که رژیم اسد در نهایت تصمیم به پذیرش سقوط و ترک مقاومت گرفت. سفیر ایران در سوریه در گفت‌وگویی با تلویزیون ایران، وقایع حلب و تحولات پس از آن را چنین توضیح می‌دهد:

"پس از سقوط شهر حلب، اراده دولتی و نظامی و مردمی این بود که سقوط کامل را بپذیرند. به گفته او پیش از رسیدن شورشیان از شمال و جنوب، دمشق، پایتخت سوریه، دچار اغتشاش شد و سقوط کرد... یک شب پیش از سقوط حکومت بشار اسد، هیأت دولت سوریه تشکیل جلسه داد و تصمیم گرفت که مقاومتی در پایتخت صورت نگیرد و به صورت مسالمت‌آمیز بخش‌های دولت را واگذار کنند."^۳

در پی دومین حمله ایران به اسرائیل، وزیر جنگ وقت اسرائیل اعلام کرد که واکنش این کشور، ایران را دچار سردرگمی خواهد کرد. وی هشدار داد که اسرائیل چنان ضربه‌ای

^۳ تابناک

وارد خواهد کرد که مقامات ایران «متوجه نخواهند شد چه اتفاقی افتاده، چگونه رخ داده، و تنها نتایج آن را مشاهده خواهند کرد.»^۴

اگرچه ممکن است حملات جهادی‌ها مستقیماً با هماهنگی اسرائیل انجام نشده باشد، اما به نظر می‌رسد که اسرائیل به‌طور غیرمستقیم شرایط را برای تقویت جهادگرایان فراهم کرده است. بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، با حضور در ارتفاعات جولان و در واکنش به سقوط بشار اسد، اظهار داشت:

«این نتیجه مستقیم ضرباتی است که به ایران و حزب‌الله، حامیان اصلی اسد، وارد کرده‌ایم. حلقه مرکزی در محور شرارت ایران قطع شده است. این اقدام یک واکنش زنجیره‌ای در سراسر خاورمیانه به راه انداخت و به کسانی که در طلب رهایی از این رژیم سرکوبگر هستید، قدرت بخشیده است.»^۵

اسرائیل با انجام عملیات نظامی در غزه، لبنان و سوریه، توانست موقعیت ایران و نیروهای نیابتی وابسته به آن را تضعیف کند و زمینه را برای تقویت گروه‌های جهادی‌ها مهیا کرد. این گروه‌ها با حمایت و چراغ سبز ترکیه و متحدانش فرصت یافتند عملیات خود را آغاز کنند. ترکیه در تلاش است تا با افزایش نفوذ خود به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، منافع استراتژیکش را دنبال کند. این کشور، با همکاری اسرائیل و برخی کشورهای غربی، سیاست‌هایی دقیق و حساب‌شده در راستای اهداف امپریالیستی خود پیش برده است.

^۴ گالانت

^۵ بی‌بی‌سی

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، با استفاده از لفاظی‌های ضد اسرائیلی تلاش کرده است خود را به‌عنوان حامی حقوق فلسطینی‌ها معرفی کند. این رویکرد به او اجازه داده تا به‌طور مؤثرتری منافع ژئوپلیتیکی و اقتصادی خود را پیش ببرد. در عین حال، ترکیه روابط دیپلماتیک و اقتصادی مستحکمی با اسرائیل حفظ کرده است. در یکی از سخنرانی‌های اخیر اردوغان، معترضان با شعارهایی همچون «بمب‌ها را کشتی‌های ما حمل می‌کنند» و «چرا نفت آذربایجان به اسرائیل ارسال می‌شود؟» سخنرانی او را مختل کردند.^۶

بازگشت پناهندگان سوری از ترکیه به سوریه و تضعیف یا حل مسئله گردها تنها بخشی از اهداف ترکیه در کمک به ساقط کردن رژیم اسد است. هدف اصلی ترکیه گسترش نفوذ به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای است، که برخلاف ایران، از حمایت غرب نیز برخوردار است. در این راستا، یکی از پروژه‌های کلیدی ترکیه «کریدور میانی» است. این مسیر ترانزیتی، چین را از طریق آسیای مرکزی، دریای خزر، قفقاز و ترکیه به اروپا متصل می‌کند و به‌عنوان جایگزینی برای مسیرهای شمالی که از روسیه عبور می‌کنند، مطرح شده است.

این پروژه تأثیرات ژئوپلیتیکی و اقتصادی عمده‌ای دارد. از جمله، نقش و مزایای ترانزیتی ایران در کریدور شمال-جنوب را کاهش داده و به ترکیه جایگاه محوری در شبکه‌های ترانزیتی منطقه‌ای می‌بخشد. این طرح ترکیه را به شریک استراتژیک چین تبدیل کرده و امکان سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌تر چین در این کشور را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، ترکیه با استفاده از این مسیر می‌تواند نیروهای نیابتی خود را در قفقاز جنوبی یا آسیای میانه

^۶ آپارات

به راحتی جابجا کند، که به گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی آن کمک می‌کند. این پروژه، در کنار تلاش‌های ترکیه برای حفظ روابط قوی با غرب و مشارکت در طرح‌های توسعه‌ای، نشان‌دهنده استراتژی بلندمدت آنکارا برای ارتقای جایگاه خود در معادلات منطقه‌ای و جهانی است.

پروژه کریدور میانی، مسیری استراتژیک است که از طریق آسیای مرکزی و دریای خزر، چین را به آذربایجان متصل می‌کند. آذربایجان از طریق کریدور زنگزور به نخجوان متصل شده و از نخجوان به ترکیه خواهد رفت. در واقع، کریدور زنگزور از مرز ایران و ارمنستان عبور خواهد کرد و این مسیر مرز مشترک ایران و ارمنستان را به نوعی از بین می‌برد، که به تبعیت از آن، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را تضعیف خواهد کرد.

این پروژه نه تنها از جنبه ترانزیتی اهمیت دارد، بلکه در چارچوب اهداف امپریالیستی ترکیه نیز قابل بررسی است. ترکیه با استفاده از ایدئولوژی پان‌ترکیسم و جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای خود در صدد است تا از این کریدور به‌عنوان اهرمی برای افزایش نفوذ منطقه‌ای و تثبیت منافع خود بهره‌برد. ترکیه از شرایط سوریه و گروه‌هایی مانند هیئت تحریر شام به‌عنوان ابزار فشار در راستای تحقق اهداف خود در پروژه کریدور میانی استفاده خواهد کرد. این وضعیت به ترکیه اجازه خواهد داد در مذاکرات منطقه‌ای و بین‌المللی، دست بالا را داشته باشد و منافع استراتژیک خود را به شکلی مؤثرتر پیش ببرد.

سقوط رژیم بشار اسد، ضربه‌ای استراتژیک سنگین برای ایران و روسیه محسوب می‌شود. منطقه نفوذ ایران که از طریق شبکه‌ای زمینی و هوایی شامل ایران، عراق، سوریه و لبنان

بود، اکنون به شدت تضعیف شده و از هم گسسته است. سوریه نقشی کلیدی در اتصال ایران به لبنان ایفا می‌کرد و مسیر انتقال نیرو، تجهیزات، سلاح و دیگر امکانات حیاتی برای حمایت از گروه‌های نیابتی ایران بود. میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری ایرانی و هزاران کشته صرف تلاش برای حفظ رژیم اسد شده بود، اما این تلاش‌ها به دنبال سقوط رژیم اسد از بین رفت، ظاهراً جهادی‌ها تنها مکان‌های دیپلماتیک ایران را هدف قرار داده و تخریب کرده‌اند.

ظاهراً جهادی‌ها تاکنون مشکلی جدی برای پایگاه‌های نظامی روسیه در بندر طرطوس (پایگاه دریایی) و حمیم (پایگاه هوایی) سوریه ایجاد نکرده‌اند. با این حال، سقوط رژیم بشار اسد ضربه‌ای سنگین به روسیه است؛ چرا که این کشور بار دیگر ادعای قدرت جهانی دارد و این وضعیت به اعتبار روسیه در میان متحدان و به خصوص کشورهای کوچک‌تر که به دنبال شرکای قابل اعتماد هستند، آسیب می‌زند. سقوط اسد اعتماد به نقش روسیه را در معادلات منطقه‌ای و جهانی تضعیف کرده و نشان‌دهنده چالش‌های روسیه برای حفظ نفوذ خود در خاورمیانه و در عین حال رقابت با دیگر قدرت‌های جهانی است. این موضوع همچنین می‌تواند باعث شود کشورهای کوچک‌تر که به دنبال تضمین امنیت و همکاری هستند، نتوانند مثل سابق روی روسیه حساب کنند.

سوریه به میدان اصلی جنگ نیابتی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی مانند اسرائیل، روسیه، آمریکا، ترکیه، ایران، امارات و عربستان سعودی تبدیل شده است؛ قدرت‌هایی که هر یک در صدد تحقق منافع امپریالیستی خود هستند. تداخل این منافع امپریالیستی منجر به تضاد و

رقابت میان بازیگران مختلف جهانی شده و موجب گسترش تنش‌های فزاینده و هرج و مرج در منطقه و حتی در سطح جهانی می‌شود. تداخل منافع امپریالیستی به این مفهوم است که ما شاهد گسترش تنش‌های امپریالیستی و هرج و مرج بیشتر در جهان خواهیم بود و بی‌ثباتی خود را گسترش خواهد داد.

توحش سرمایه‌داری تنها در سوریه مشاهده نمی‌شود؛ بلکه این ویژگی بخشی از ذات بربریت سرمایه‌داری است که نه تنها در کشورهای سرمایه‌داری پیرامونی بلکه در کشورهای متروپل نیز وجود دارد. در اوایل ماه دسامبر، در کره جنوبی که یکی از اقتصادهای مهم شرق آسیا محسوب می‌شود، رئیس‌جمهور حکومت نظامی اعلام کرده و نیروهای نظامی به ساختمان پارلمان حمله کردند. در نتیجه، پارلمان نه تنها حکومت نظامی را لغو کرد، بلکه احتمال استیضاح در روزهای آینده مطرح شده است. در فرانسه نیز بحران سیاسی شدت بیشتری یافت؛ چرا که تنها پس از سه ماه فعالیت، دولت سقوط کرد و این مسئله بحران سیاسی جدی در کشوری که مهد تمدن اروپایی شناخته می‌شود ایجاد کرد. چنین نمونه‌هایی از بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی ناشی از بحران‌های سرمایه‌داری و تأثیرات آن بر کشورهای مختلف هستند؛ بحرانی که قدرت‌های جهانی و مناسبات سرمایه‌داری در مرکز آن قرار دارند.

پیروزی دوباره ترامپ در انتخابات، در تضاد با منافع امپریالیستی بخش عمده‌ای از کشورهای اروپایی و حتی بخشی از بورژوازی آمریکا قرار دارد. نتانیاهو، در همکاری با ترامپ، منافع امپریالیستی این بخش از بورژوازی را می‌تواند دچار دردسر کند. در این راستا،

دادگاه کیفری بین‌المللی حکم بازداشت بنیامین نتانیاهو و یوآو گالانت را به دلیل ارتکاب جنایات جنگی و جرایم علیه بشریت صادر کرده است. با وجود اینکه آمریکا و برخی کشورهای اروپایی مانند مجارستان، جمهوری چک و دیگران احتمالاً این حکم را نادیده خواهند گرفت، اما نتانیاهو دیگر نمی‌تواند مانند گذشته نقش‌های کلیدی ایفا کند. در حالی که برخی افراد عوام‌فریب به دستگاه قضایی بورژوازی اعتبار می‌بخشند و از آن دفاع می‌کنند، واقعیت نشان می‌دهد که غرب، به خصوص کشورهای اروپایی، با جنایتکار قلمداد کردن نتانیاهو تلاش دارند تا جنایات و وحشی‌گری‌های جاری در غزه را که در آن شریک هستند، تنها به گردن چند نفر بیندازند و در عین حال وجهه متمدن و بشر دوستی خود را حفظ کنند.

اسرائیل با هدف تضعیف سوریه اقدامات قابل توجهی انجام داده است. این کشور نه تنها منطقه حائل تحت نظارت سازمان ملل در بلندی‌های جولان را تصرف کرد که بر اساس توافق جداسازی نیروها از سال ۱۹۷۴ میان اسرائیل و سوریه برقرار بود، بلکه حملات هوایی بی‌سابقه‌ای را نیز در سوریه صورت داده است.

تازمان نگارش این مقاله، حداقل ۳۱۰ حمله هوایی توسط اسرائیل از دمشق تا دیرالزور، از لاذقیه تا قامشلی صورت گرفته که زیرساخت‌های سوریه و تأسیسات نظامی کلیدی ارتش این کشور را به شدت تخریب کرده است. این حملات، خسارات سنگینی به نیروهای نظامی سوریه و زیرساخت‌های حیاتی این کشور وارد کرده است، اسرائیل خواهان سوریه‌ای به شدت ضعیف است.

اسرائیل به دنبال سقوط رژیم اسد نه منطقه حائل تحت نظارت سازمان ملل در بلندی‌های جولان را تصرف کرد که توافقنامه جداسازی نیروها از سال ۱۹۷۴ بین اسرائیل و سوریه برقرار بود بلکه حملات هوایی بی‌سابقه‌ای را در سوریه انجام داد. تا لحظه نوشتن حداقل ۳۱۰ حمله از دمشق تا دیرالزور، از لاذقیه، تا قامشلی انجام داده است و زیر ساختهای سوریه و تأسیسات کلیدی ارتش سوریه را به شدت از بین برده است.

با ورود سرمایه‌داری به عصر انحطاط خود که مشخصه آن جنگ جهانی اول بود، سرمایه‌داری جهانی وارد عصر امپریالیسم شد و هیچ جنگ متری، تحت هیچ عنوانی نمی‌تواند وجود داشته باشد و تمامی جنگ‌ها امپریالیستی و ارتجاعی هستند. تنها جنگ انقلابی، جنگ طبقاتی (مبارزه طبقاتی) است و تنها انقلاب اجتماعی است که متری می‌باشد.

جنگ به شیوه‌ای از زندگی سرمایه‌داری در عصر انحطاط آن تبدیل شده است. سرمایه‌داری نمی‌تواند آینده‌ای ارائه دهد، تنها توحش و بربریت را به مناطق بیشتری گسترش می‌دهد. این یک توهم است که از جنگ‌افروزان بخواهیم جنگ را متوقف کنند. صلح جنگ‌افروزان تنها می‌تواند یک میان‌برده در سرمایه‌داری جنگ طلب باشد. از درون صلح سرمایه‌داری تنها شعله‌های جنگ می‌تواند زبانه بکشد. فقط مبارزه طبقاتی کارگران است که میتواند آلترناتیوی برای توحش سرمایه‌داری ارائه دهد، چون پرولتاریا کشوری برای دفاع ندارد و مبارزه‌اش باید مرزهای ملی را درنوردد و در مقیاس بین‌المللی توسعه

یابد. تنها طبقه کارگر جهانی با به زیر کشیدن سرمایه‌داری در مقیاس جهانی می‌تواند زمینه مادی تنش‌های امپریالیستی را از بین ببرد و صلح دائمی را برای بشریت به ارمغان بیاورد.

زنده باد جنگ طبقه علیه طبقه!

فیروز اکبری

۲۰ آذر ۱۴۰۳

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

ایمیل:

contact@internationalistvoice.org

وبسایت:

www.internationalistvoice.org

ایکس (توییتز سابق):

https://twitter.com/int_voice

صدای انترناسیونالیستی منتشر کرده است:

علیه جنگ ارتجاعی
علیه توحش سرمایه داری
کارگران وطن ندارند!



صویر پلا اسرائیل و صویر پلین بزه

صدای انترناسیونالیستی

تشدید تنش‌های امپریالیستی در خاورمیانه
سرمایه‌داری یعنی جنگ، توحش!



صدای انترناسیونالیستی

علیه توحش جنگی اسرائیل و ایران
سرمایه داری یعنی جنگ، توحش!



بازان موشکها در آسمان اسرائیل

صدای انترناسیونالیستی

جنگ امپریالیستی،
پروپاگانداي جنگی و
آرایش‌های جدید امپریالیستی



صدای انترناسیونالیستی

تمامی دولت‌ها
جنایتکاران جنگی هستند!



صدای انترناسیونالیستی

جنگ تبلیغاتی
تبلیغات جنگی



صدای انترناسیونالیستی

جنگ امپریالیستی
پاسخ طبقه کارگر
و وظایف انقلابیون



صدای انترناسیونالیستی

فراخوان کمونیست چپ

مرگ بر این کشتارها!
هیچ حمایتی از هیچ اردوگاه امپریالیستی!
نه به توهنات صلح طلبانه!
انترناسیونالیسم پروتری!



جریان کمونیست بین‌المللی
صدای انترناسیونالیستی

لشکر کشی روسیه
میلیتاریسم ناسو
و جنگ کاتکسترها
سرمایه داری یعنی جنگ، توحش!



صدای انترناسیونالیستی